



احترام به حجاب

احترام به حقوق شهروندی است

■ **علی تقی‌نژاد**

در دنیای امروز، خیلی موارد می‌تواند پساندک تحرک و جنبشی، در هر زمان و مکانی، سریعاً منتشر شود و اثرگذاری آن در جامعه و بین مردم (عوام و خواص) پدیدار گردد. امروزه یکی از مصادیقی که جزو «آسیب‌های اجتماعی» بر شمرده می‌شود، «رعایت نکردن حجاب در ملائعمومی» و «تشویق دختران جوان به بی‌حجابی» است. مقوله «حجاب» موضوعی فقهی و حقوقی (شرعی) است. که در همان اوایل تشکیل جمهوری اسلامی، مسئولان نظام، به فکر سامان‌بخشیدن به این مورد از ضروریات دین بودند و به تاسی از خواست عمومی قوانینی را در این زمینه به تصویب رساندند. در باب حقوق و تکالیف شهروندی، تعاریف زیادی شده‌است که اختصاراً گفته شده «رعایت حقوق مردم و حفظ شئونات عموم ملت» همان حقوق شهروندی است؛ «شهروند خوب» هم مطابق تعاریف صورت گرفته کسی است که به حقوق فردی و جمعی خود و دیگران آشنایی دارد، مدافع آن است، قانون‌نناس و قانونمدار است و در برابر نقض حقوق، مطالبه‌گری می‌کند.

در حقوق اصلی حاکم است مبنی بر اینکه برای هر حقی، تکلیفی هم تهفته است. زنان، حقوق فردی و اجتماعی زیادی دارند که در مقوله حجاب، توجه صرفاً به حقوق اجتماعی آنهاست. یکی از حقوق شایسته زنان ایران اسلامی، «داشتن حجابی» است که اسلام به آنها اعطا نموده و تکلیف آنها، مراقبت از حجابشان در منظر عمومی یا در مقابل دیگران است. به عبارتی دیگر، یکی از تکالیف و مسئولیت‌های اجتماعی زنان، ضمن گرامیداشت حقوق آنها، «احترام به حقوق اشخاص و سلامت روانی مردم» است. در واقع، «رعایت حجاب» هم برای خود شخص، دارای اهمیت و اثرگذاری زیادی است و هم در صورت رعایت نکردن آن، منجر به آسیب‌رساندن به روان جامعه، مخصوصاً جوانان ایران اسلامی می‌گردد. اگر از این بُعد، به مبحث حجاب بنگریم، متوجه می‌شویم که این مقوله امری دوطرفه است. در همین رابطه اجباری دانستن حجاب، مثل این است که گفته شود چراغ قرمز سرچراغ‌راه را قبول ندارم و مخالف «توقف اجباری» هستم! اگر این موضوع پذیرفته شود، هر کسی با هر عملی، ناقض حقوق دیگری در عرصه عمومی و چه بسا در حوزه خصوصی خواهد بود.



بند دهم از بخش اول «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی» هم مقرر کرده‌است: «آزادی زنان ایرانی در استفاده از پوشش و گویش‌های بومی و اجرای آداب و سنت‌های محلی در صورت عدم مغایرت با اخلاق حسنه» مسئله پوشش، در برخی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، تفاوت‌های کم و زیادی دارد و در برخی از استان‌های کشور مانع چنین مواردی یافت می‌شود. آنچه مهم است، «آزادی در پوشش» در عین رعایت اخلاق حسنه است و البته که منظور، هر نوع پوششی به اسم آزادی و اختیار آدمی نیست. حجاب، رابطه مستقیمی با نحوه پوشش دارد که متأسفانه برای همین بخش مرتب با امور اجتماعی زنان، در بین ۱۲۰ ماده «منشور حقوق شهروندی» - که در دولت یازدهم با امضای رئیس‌جمهور منتشر شد- هیچ ماده‌ای راجع به «حق حجاب و پوشش زنان» اختصاص پیدا نکرده است و این، یک ضعف اساسی در منشور به دلیل توجه نداشتن به یک مطالبه عمومی به‌شمار می‌آید.

واضح است که هر جامعه‌ای نیاز به قانون و مجری دارد، در نتیجه باید به قوانین، آیین‌نامه‌ها و... پایبندی داشته باشد. «قانونمداری» از مؤلفه‌های اصلی تکالیف شهروندی است که زن و مرد باید بدان عمل کنند؛ البته ناگفته نماند که درست‌است حجاب، بیشتر منعطف به زنان است، ولی این امر باعث نمی‌شود مردان یا را فراتر گذاشته و تکالیف خود را در این رابطه نادیده بگیرند.

■ **پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان**

جبر قانون

یا نقض قانون؟!!

حجاب در قوانین متعددی مورد توجه قانونگذار بوده است

مدت زمانی است که پیرو برخی اقدامات در فضای اجتماعی کشور که با عناوینی چون «دختران خیابان انقلاب» در فضای مجازی شناخته می‌شود، در جامعه مابحث‌هایی درباره قانون حجاب مطرح می‌شود؛ موضوعی که موافقان و مخالفان دارد و هر کدام از منظر خود در صدد تحلیل این مهم برمی‌آیند. برخی نیز در این میان با گذاشتن بر چسبی به نام «اجبار»، سعی در مژدوم جلوه دادن قوانین جاری کشور دارند و برخی دیگر نیز با نگاه صفر و یکی در مورد یک قانون اجتماعی به قضاوت می‌نشینند. در واقع می‌توان گفت محور بسیاری از این استدلال‌های مخالف به طور مستقیم و غیرمستقیم بر محور «لزام قانونی» می‌چرخد، فارغ از اینکه هر جامعه‌ای با در نظر گرفتن شرایط موجود حاکمیتی خود حداقل‌ها و حداکثرهایی را در همه شئونات در نظر می‌گیرد. نظر به اهمیت این مسئله بود که روزنامه «جوان» موضوع «حجاب» را در سه بعد مهم و قابل اهمیت کیفری، شهری وندی و فقهی توسط کارشناسان و حقوق‌دانان مورد بررسی قرار داده است که در ادامه می‌خوانید.

حجاب

تعیین مجازات برای بی‌حجابی مبتنی بر قانون اساسی است

تفصیلی نظام را مورد توجه قرار داده است. «تأمین استقلال فرهنگی» در ذیل اصل دوم، به عنوان یکی از اهداف کلان نظام شمرده شده و علتش این است که بسیاری از اندیشمندان بر این باورند موجودیت و هویت هر جامعه و تمدنی از استقلال فرهنگی آن جامعه برمی‌خیزد و خاستگاه استقلال در هر حوزه دیگری را باید در استقلال فرهنگی جست. در اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف شده است برای نیل به اهداف متعالی مقرر در اصل دوم، همه امکانات خود را به کار گیرد تا اهداف، محقق شوند چراکه براساس بند (۱) اصل سوم، یکی از این اهداف و امور، «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» می‌باشد. ۲- حقوق کیفری، جرائم را از خطاهای مدنی، مثل «شبه جرم» و «نقض قرارداد» متمایز می‌سازد و رفتار افراد و گروه‌های جامعه را در ارتباط با هنجارهای اجتماعی، تحت قاعده و قانون درمی‌آورد. حقوق کیفری، جهت حمایت از ارزش‌های مهم و اساسی جامعه، از ابزار کیفری استفاده می‌نماید و «اعمال» و ترک افعال» ناقض این ارزش‌ها و نیز نحوه تعقیب جامعه، از ابزار کیفری استفاده می‌نماید و «اعمال» کیفری، جهت قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان کشور است. قانونگذار اساسی، در ذیل اصل دوم، به بیان اهداف کلی و آرمانی نظام پرداخته و در اصل سوم نیز اهداف

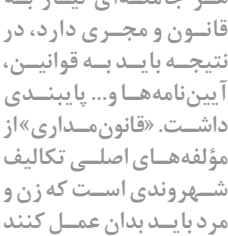
■ **فهییم مصطفی‌زاده***

یکی از مسائل مطرح در مباحثات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی که این روزها از زوایای گوناگون مورد توجه کنشگران سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است، پدیده موسوم به دختران خیابان انقلاب است؛ پدیده‌ای که بر اساس آن زنان در ملاعام «کشف حجاب» نموده و علاوه بر سه چالش کشیدن ضابطان دادگستری و حقوق کیفری، یکی از ارزش‌های مهم و اساسی نظام را نشانه می‌روند. در این خصوص ذکر چند نکته لازم و ضروری است:

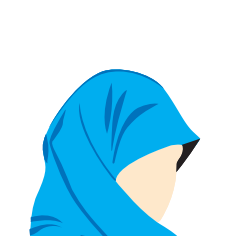
۱- در کشور ما، قانون اساسی در رأس هرم قانونگذاری قرار دارد و قوانین باید از این قانون تبعیت کنند، لذا نمی‌توان بدون پایبندی به قواعد و اصول قانون اساسی، قوانین کیفری را تدوین و تنظیم کرد؛ چراکه قانون اساسی، عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر و همچنین تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان کشور است. قانونگذار اساسی، در ذیل اصل دوم، به بیان اهداف کلی و آرمانی نظام پرداخته و در اصل سوم نیز اهداف



هر جامعه‌ای نیاز به قانون و مجری دارد، در نتیجه باید به قوانین، آیین‌نامه‌ها و... پایبندی داشته‌است. «قانونمداری» از مؤلفه‌های اصلی تکالیف شهروندی است که زن و مرد باید بدان عمل کنند



حجاب



حجاب

قانون اساسی با رویکرد حقوق شهروندی - بر خلاف رویکرد حقوق بشر که تنها بیانگر حقوق افراد است - وظایف متقابل دولت و شهروندان را توأمان مدنظر قرار می‌دهد

لایه پنهانی و مغفول بوده

بخش سوم

در دو مطلب پیشین راجع به برخی زوایای پنهان قانون بوده‌جه کل کشور توضیحاتی داده شد؛ از جمله این موارد، عبارت بود از عدم درج کامل شرکت‌های دولتی در پیوست شماره «۳» تحت عنوان «بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت» و نیز عدم درج بودجه شرکت‌هایی که هر چند تحت عنوان «شرکت دولتی» قرار نمی‌گیرند، اما بخشی از سرمایه و سهام آنها (کمتر از ۵۰ درصد) متعلق به دولت است. همان‌طور که بیان شد، عدم رعایت موارد فوق منجر به نقض اصل جامعیت بودجه و از منظر حقوقی، منجر به نقض اصول ۵۲، ۵۳ و ۵۵ قانون اساسی می‌شود. حال در این مطلب، به عنوان سومین و آخرین نوشتار مربوط به زوایای پنهان و مغفول بودجه، یکی دیگر از وجوه این موضوع را -که با هم در رابطه با پیوست شماره «۳» قانون بودجه می‌باشد- مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

از جمله اصول حاکم بر بودجه‌ریزی، اصل شمولیت بودجه یا اصل تفصیلی بودن بودجه است. به موجب این اصل، بودجه باید به صورت تفصیلی و با جزئیات کامل تهیه و تنظیم گردد و نمی‌توان هیچ بخشی از آن را به صورت اجمالی رها کرد. به عبارت دیگر، بودجه دستگاه‌ها و نهادهای گوناگون باید اولاً به تفکیک در آمد و هزینه و ثانیاً به صورت دسته‌بندی شده و در قالب برنامه‌ها و طرح‌ها (به صورت ملی و استانی) در لایحه منعکس شوند.

رعایت این اصل در نظام حقوقی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا عدم رعایت آن، وظیفه مجلس شورای اسلامی در بررسی و تصویب لایحه بودجه (اصل ۵۲)، وظیفه شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی (اصل ۹۴) و نیز وظیفه دیوان محاسبات در قضاوت می‌نشینند. در بودجه و تهیه گزارش تفریق بودجه (اصل ۵۵) را با خلل مواجه می‌سازد. توضیح آنکه مفهوم اصلی بودجه کل کشور در اعداد و ارقام مذکور در جداول و پیوست‌های این قانون قابل مشاهده است و همچنین انجام صحیح وظایف نهادهای مذکور و دخیل در امر تصویب و نظارت بر بودجه، مستلزم آگاهی تفصیلی نسبت به مندرجات لایحه بودجه خواهد بود.

در واقع، اعداد و ارقام مصوب، باید به نحوی مشتمل بر جزئیات لازم باشد تا آینه تمام‌نمای سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف در مصرف منابع ملی قلمداد شود. در نتیجه، مقدمه ایفای صحیح وظایف دستگاه‌های یاد شده، رعایت اصل شمولیت در تنظیم و تدوین لایحه بودجه است.

گفتنی است ایراد مهم دیگری نیز بر اثر نقیصه مذکور حاصل می‌شود. بر اساس ماده (۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، جزئیات و تفصیل بودجه شرکت‌های دولتی، تنها به تصویب مجامع عمومی شرکت مربوط می‌رسد. به عبارت دیگر، صرفاً مجمع عمومی شرکت است که تعیین می‌نماید بخش مالی آن صرف انجام چه فعالیت‌هایی خواهد شد و مجلس، هیچ نقشی در تصویب یا اصلاح مفاد آن ندارد. به بیان ساده‌تر، دادن اختیار تام به مجامع عمومی شرکت‌های دولتی در تصویب بودجه مربوط به خود، بدون هیچ‌گونه دخالتی از سوی مجلس در تصویب نهایی آن، به معنای اعطای چک سفیدامضا در اختیار آنهاست؛ به این ترتیب، نحوه هزینه‌کرد تفصیلی حجم عظیمی از بودجه کل کشور (بیش از ۶۸ درصد در سال ۱۳۹۷) به دور از چشم‌ان مجلس و شورای نگهبان به تصویب رسیده و اجرا می‌گردد. مضاف بر اینکه این امر، منجر به هر چه خوردن انضباط مالی در کشور است و دیوان محاسبات نیز امکان نظارت مؤثری را بر حسابرسی کارآمد بودجه این شرکت‌ها ندارد. در عمل و در بسیاری از موارد، هزینه‌ها و پرداخت‌های صورت گرفته، بدون وجود مصوبه مجمع عمومی انجام می‌شود و پس از مطالبه مستندات و مجوزهای قانونی توسط دیوان محاسبات، مصوبه مجمع عمومی به طور صوری و به اصطلاح به صورت «دست‌گردان» تهیه می‌شود و در اختیار دیوان محاسبات قرار می‌گیرد.

نتیجه آنکه چون نظارت دیوان محاسبات بر بودجه، نظارت «بعد از خرج» - و نه نظارت «قبل از خرج» یا «حین خرج» - است، اِعمال مؤثر صلاحیت نظارتی توسط دیوان محاسبات غیرممکن می‌گردد و هر آنچه در مصوبه مجمع عمومی درج شده باشد، به عنوان مجوز قانونی محسوب می‌شود. پیرا واضح است که این موضوع، در واقع بستر فساد را در نحوه هزینه‌کرد بیت‌المال فراهم می‌آورد.

■ **کارشناس و پژوهشگر حقوق عمومی**

نارازه‌ها

سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل

کتاب «سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل» (اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل) نوشته هدی‌الله فلسفی به تازگی توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشسر شده‌است. کتاب «سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل» ۷ فصل دارد. فصل‌های کتاب، هر کدام به‌بخش‌های مختلف تقسیم می‌شوند و هر بخش کتاب گاهی حاوی چند بند می‌شود.

در قسمتی از این کتاب نوشته شده‌است: دیوان بین‌المللی دادگستری نیز با نظر دو ویشر موافق بوده است در آنجا که نتوانسته است بگوید استفاده از سلاح هسته‌ای «در اوضاع و احوال سخت دفاع مشروع، یعنی در آن زمان که بقای «دولت» مطرح باشد، مجاز است یا نه؟» آنچه دیوان بین‌المللی در این نظر مشورتی دربرابر اعتبار حقوق بین‌الملل گفته است، همانند گفته واقع‌گرایان، حاکی از آن است که این نظام از اداره امور دولتها در اوضاع و احوال بسیار وخیم عاجز است و پاسخی برای مسائل بحران‌زا ندارد. در اینجا به خوبی می‌توان دید که رهیافت رئالیستی تا چه حد به تفکرات انتقادی نزدیک است. در هر دو مورد، سیاق اجتماعی و به ویژه روابط «قدرت» که نشانه بارز زیست بین‌المللی است، عوامل قطعی تشریح و تبیین وضع موجود قلمداد شده‌اند. با این همه نباید از یاد برد که رئالیسم، در نوع بسیار محض خود، این اندیشه را تراجم می‌دهد که حقوق بین‌الملل نظامی‌نامعتبر و کم‌اهمیت و بی‌معناست اما منتقد، بر خلاف رئالیست، معتقد است که حقوق بین‌الملل و تعارض‌های اجتماعی و سیاسی در منظری دیالکتیکی، حقوق بین‌الملل را از پرابی می‌کند.

در ادامه این کتاب به تعریف تروریسم از دو منظر ایده‌آلیست و رئالیست پرداخته شده‌است: در نظر ایده‌آلیست، کار حقوق‌دان سعی و مجاهدت بلوغ در قبولاندن تعریف کلی و همه‌پسند «تروریسم» است تا آنکه بتوان به راحتی رفتاری را که با چنین تعریفی منطبق باشد، به اشخاص نسبت داد و از سوءداشت جلوگیری کرد اما در نگاه رئالیست هیچ تعریفی به اختلاف‌نظرهایی که از این لحاظ میان دولتها فاصله انداخته‌است، پایان نمی‌دهد حتی اگر یک صورت‌بندی انتزاعی از مفهوم «تروریسم» به وجود آید، باز نمی‌توان از پیدایش اختلاف‌نظر دولت‌ها در موارد خاص جلوگیری کرد.

این کتاب با ۶۲۲ صفحه، شمارگان ۷۷۰ نسخه و قیمت ۷۲ هزار تومان منتشر شده‌است.

نهادهای حاکمیتی بر اساس فقه حکومتی در مقوله حجاب تکلیف دارند

حرکت افراد حتی بزرگسالان به سوی اخلاق و ارزش‌های انسانی را موجب تکریم وی می‌داند. رسوخ میانی فرهنگی لیبرالیسم در افکار برخی افراد و حتی مسئولان سبب می‌شود که خودآگاه و ناخودآگاه قواعد حقوقی نظام مکتبی جمهوری اسلامی ایران را در ترازوی لیبرالیسم بسنجند و در قضاوت خود راه ناصواب ببیمایند.

قانون اساسی در اصل سوم حکومت مکتبی ایران را موظف نموده است تا برای رسیدن به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد که اولین آن ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی است. بنابراین هیچ نهاد دولتی حق ندارد خود را از این مسئولیت میرا بداند. حکومت اسلامی نمی‌تواند در برابر پوشش ناخنجا و محرک برخی افراد که بعضاً با برنامه‌ریزی قبلی و به منظور هنجارشکنی و هتک حرمت احکام الهی، یا به امکان عمومی می‌گذارد بی‌تفاوت باشد. خصوصاً آنکه چنین امری عواقب سنگین و غیرقابل جبرانی برای فرد و جامعه به دنبال دارد. رواج بی‌عتی، احساس ناکامی و سرخوردگی، ناامنی زنان در جامعه، افزایش آمار طلاق و خیانت و به تبع آن افزایش شمار کودکان تک‌سرپرست و بی‌سرپرست یعنی به یاد رفتن مصالح حال و آینده یک ملت از جمله عواقب بدجوابی است، البته پاکیزه نگه داشتن محیط اجتماع از لوث گناه و مظاهر تباهی امری نیست که تنها بر دوش دولت مستغنی کند. قانون اساسی با رویکرد حقوق شهروندی - بر خلاف رویکرد حقوق بشر که تنها بیانگر

■ **کارشناسی ارشد حقوق عمومی**